



# مشاوره امتحانی

علاوه بر این، علت نادرستی عبارت در بخش سؤالات درست و نادرست مطرح شده تا بتوانید همه مطالب را به صورت عمیق در ذهن خود جای دهید. هدف کلی کتاب، موفقیت شما عزیزان در امتحانات پیش رو است. با توکل بر خدا و انتخاب کتاب امتحانت، فلسفه را در سطح عالی پاس خواهید کرد.

## نحوه مطالعه کتاب امتحانت

### ۱ اگر چند روز فرصت دارید،

- پس از اینکه هر درس از کتاب درسی را به صورت موشکافانه مطالعه کردید:
- به سراغ درسنامه کتاب امتحانت بیایید و نکات اصلی را بار دیگر در قالبی خلاصه تر و طبقه بندی شده تر مرور کنید تا مطالب در ذهنتان تثبیت شود.
  - بعد از درسنامه، نوبت سؤالات آزمون های طبقه بندی شده است: به راحتی سؤالات مربوط به هر درس را پیدا کنید و پاسخ دهید.
  - بعد از پاسخ گویی، مراجعه به پاسخنامه تشریحی توصیه می شود، چون در آنجا هم نکاتی را بیان کرده ایم که مطلب کاملاً برایتان روشن شود.
  - و در آخر به سراغ آزمون های شبیه ساز نهایی بروید.
- زمان را در نظر بگیرید و شروع به پاسخ گویی کنید و حتماً در پایان امتحان، پاسخ ها را با پاسخ تشریحی و بارم بندی های درج شده مقایسه کنید و به خودتان نمره دهید. به قول پیامبر (ص): «به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند»
- برگ آخر مخصوص دوره شب قبل از امتحان است. نگاهی کلی به نکات اصلی هر درس که سبب آرامش خاطر شما از مطالعه تان می شود.

### ۲ اگر یک یا دو روز فرصت دارید،

- درسنامه کتاب امتحانت را کامل مطالعه کنید.
- پس از پایان هر درس، سؤالات مربوط به آن را پاسخ دهید و در انتها به سراغ سؤالات طبقه بندی نشده بروید.
- چند ساعت به شروع امتحان یا شب قبل از امتحان برای آنکه مروری سریع از تمام نکات مهم داشته باشید به سراغ برگ آخر بروید.

## بارم بندی درس فلسفه ۱ پایه یازدهم

عنوان درس	پایانی نوبت اول	نوبت دوم و شهریور و دی ماه
۱. چیستی فلسفه	۴	۱/۵
۲. ریشه و شاخه های فلسفه	۳	۱/۵
۳. فلسفه و زندگی	۴	۱/۵
۴. آغاز تاریخی فلسفه	۳	۱/۵
۵. زندگی براساس اندیشه	۳	۱/۲۵
۶. امکان شناخت	۳	۱/۲۵
۷. ابزارهای شناخت	-	۱/۲۵
۸. نگاهی به تاریخچه معرفت	-	۳/۲۵
۹. چیستی انسان (۱)	-	۲
۱۰. چیستی انسان (۲)	-	۲
۱۱. انسان، موجود اخلاق گرا	-	۲/۵
<b>جمع</b>	<b>۲۰</b>	<b>۲۰</b>

• توجه داشته باشید این جدول براساس آخرین اعلام سازمان آموزش و پرورش به روزرسانی شده است.

مجموعه حاضر به منظور آمادگی هر چه بیشتر شما عزیزان برای شرکت در امتحانات آخر ترم طراحی شده است. با توجه به اینکه امتحانات نیمسال دوم پایه دهم و یازدهم نیز به صورت هماهنگ برگزار می شود، نیاز است تا بتوانید هر درس را به صورت کامل و نکته ای مطالعه کرده و به همه قسمت های کتاب مسلط شوید. در این کتاب سعی شده از هر سه تیپ سؤال آسان، متوسط و دشوار استفاده گردد و تنوع سؤالات نیز باعث می شود شما با انواع مختلف سؤالات آشنا شوید. در میان سؤالات، موارد پرتکرار که بیشتر مورد توجه طراحان سؤال است مشخص شده تا با تمرکز بیشتر روی آن ها، بتوانید به مطالب و حیطه های مطرح شده در آن ها اشراف بیشتری پیدا کنید. در بررسی سؤالات امتحانی آنچه اهمیت زیادی دارد، پاسخنامه ای تشریحی و جامع است که می تواند باعث شود با مراجعه به آن، قسمت هایی که دچار کج فهمی و ابهام شده اید را مشخص کرده و با تمرکز روی آن بخش ها، سطح اطلاعات خود را بازبینی و تصحیح کنید. با مطالعه این کتاب و تمرکز روی قسمت های مختلف آن، می توانید به سطح بالایی از یادگیری کتاب فلسفه سال یازدهم دست یابید. چرا که این کتاب در عین کم حجم بودن، کلیه نکات تستی و تشریحی لازم را که شما باید به عنوان دانش آموز بدانید را در خود گنجانده است. پیشنهاد می شود قبل از مطالعه کتاب امتحانت، ابتدا متن کتاب درسی را به صورت کامل بخوانید و سپس هر درسنامه را مطالعه کرده و در آخر برای تعمیق یادگیری مطالب خوانده شده، مجدداً درسنامه امتحانت و نمونه سؤالات هر درس را مرور کنید.

## ■ ساختار کتاب امتحانت به شکل زیر است:

مطالب ارائه شده در این کتاب مشتمل بر قسمت های مختلفی است که هر کدام بر مبنای هدف مشخصی در کتاب گنجانده شده است:

**۱ درسنامه:** طلایی ترین و مهم ترین قسمت هر کتاب را می توان این قسمت دانست؛ چرا که درسنامه هر مقدار سلیس تر، مختصرتر و مفیدتر باشد، ارتباط دانش آموز با آن و همینطور سهولت یادگیری را در پی خواهد داشت. از لحاظ درسنامه و کیفیت مطالب ارائه شده در هر درس، همه مطالب مهم و کلیدی پوشش داده شده و سعی بر آن بوده نکات به صورت روان و با بیانی گویا و ساده بیان شود تا فهم آن برای مخاطب ساده تر باشد. همچنین در ابتدای کتاب، بارم بندی هر درس را برای شما عزیزان قرار داده ایم تا بتوانید به مباحث و دروس پر اهمیت تر زمان بیشتری اختصاص دهید.

**۲ آزمون های طبقه بندی نشده:** در کتاب، آزمون هایی طبقه بندی نشده را قرار داده ایم تا بتوانید برای آمادگی امتحانات پایان ترم به سراغ آن ها بروید. میزان آمادگی شما نسبت به کتاب فلسفه و شرکت در امتحان توسط این امتحانات محک زده می شود. اکثر سؤالات از نمونه های پرتکرار و مهم و همچنین از قسمت های بکر و نکته خیز کتاب که ممکن است در امتحانات نهایی و هماهنگ مورد نظر طراحان آزمون باشد، طرح شده است.

**۳ آزمون های طبقه بندی شده:** سبک جدید و جالبی از چینش سؤالات را در این آزمون ها می توانید مشاهده کنید. با مراجعه به این قسمت ها به نقاط قوت و ضعف خود از هر درس پی ببرید.

شما برای امتحانات نیمسال اول می توانید به سراغ این آزمون ها که براساس فصل های کتاب درسی منظم و دسته بندی شده اند بروید و برای امتحانات پایان سال نیز آماده شوید.

**۴ پاسخنامه تشریحی:** هر آزمون دارای پاسخنامه تشریحی و کامل است که بعد از هر کدام، با مراجعه به قسمت پاسخنامه می توانید هر مطلب را در ذهن خود ثبت کنید، همچنین در مواردی که نکات تستی مطرح شده، به ردّ گزینه های دیگر نیز اشاره شده تا مطالب در ذهن شما مبهم و نامفهوم باقی نماند.



### شناخت تجربی

اسرار و رموزی در طبیعت وجود دارد که حس به تنهایی نمی‌تواند آن‌ها را درک کند بنابراین عقل با ۱- کمک حواس و ۲- تحلیل عقلانی آنچه به کمک حس دریافت شده می‌تواند به این رموز پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد. همکاری عقل با حس، باعث ایجاد شناخت تجربی می‌شود.

**توجه!** در بیان تفاوت شناخت تجربی و حسی باید گفته شود که شناخت حسی شناختی جزئی است؛ مانند اینکه با دست زدن به آتش به این شناخت می‌رسید که این آتش سوزان است، اما در شناخت تجربی با استفاده از عقل، یافته‌های حسی را به قوانین کلی تعمیم می‌دهید و به این قانون کلی می‌رسید که همیشه و در همه شرایط آتش سوزان است.

### قواعد عقلی شناخت تجربی

با کمک عقل می‌توانیم به چند قاعده مهم طبیعی که پایه و اساس هر شناخت تجربی است، پی ببریم:

۱) پدیده‌ها خودبه‌خود به وجود نمی‌آیند، بلکه هر پدیده‌ای نیازمند علت است. ۲) هر پدیده علت ویژه دارد؛ یعنی از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی‌آید؛ مثلاً از گندم گندم می‌روید نه جو یا گیاه دیگر. ۳) طبیعت همواره یکسان عمل می‌کند. مثلاً آب همواره خواص یکسانی دارد؛ نه اینکه یک روز دارای فلان خاصیت باشد و روز بعد نداشته باشد.

### ارسطو و علوم تجربی

از اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه‌گذاری کرد. علاوه بر اینکه شاگرد افلاطون بود و در فلسفه تبحر داشت، دانشمند علوم طبیعی نیز بود.

### ابن‌سینا و علوم تجربی

کتاب‌های متعددی هم در فلسفه و هم در علوم طبیعی نوشته که مورد توجه فلاسفه و دیگر دانشمندان علوم طبیعی است. ۲) در اندیشه‌های ارسطو درباره قانون علیت تأملات عمیق کرد و آن را گسترش داد.

### نظر ابن‌سینا در رابطه با «قانون علیت»

۱) از طریق حس و تجربه نباید به دنبال کشف علیت بود؛ چون اصل علیت اصلی عقلانی است. ۲) این اصل از تجربه و آزمایش به دست نمی‌آید، بلکه خودش پایه و مبنای هر تجربه و آزمایش است. ۳) یکی از قواعد اولیه تعقل است که انسان در شناخت هر پدیده از آن استفاده می‌کند.

### شناخت عقلی

بعضی از دانستنی‌ها از طریق حواس و تجربه به دست نمی‌آیند، بلکه فقط از طریق تعقل محض و چینش استدلال می‌توان به آن‌ها رسید. مانند دانستنی‌های ریاضی و دانش فلسفه که مفاهیم آن قابل تجربه در دنیای مادی نیست، به این قسم از شناخت، شناخت عقلی گفته می‌شود.

### بنابراین با استفاده از شناخت عقلی انسان می‌تواند.

۱) یافته‌های سودمندی درباره کل هستی در مواردی که امکان درک تجربی در آن‌ها وجود ندارد به دست بیاورد، مثلاً ذات و صفات خدا قابل درک با حس و تجربه نیست؛ بنابراین فقط با شناخت عقلی می‌توان آن را درک کرد. ۲) یافته‌های عقلانی را اساس سایر دانش‌ها قرار دهد و پایه‌های زندگی خود را بر آن‌ها استوار کند. مثلاً مبانی عقلی علوم تجربی می‌توانند در تجربه به کار گرفته شوند.

### قلب

این نوع از معرفت و شناخت نه از طریق حس و تجربه و نه از طریق تفکر و تعقل به دست نمی‌آید؛ به عبارت دیگر کاملاً بی‌واسطه حاصل می‌شود.

معرفت شهودی از طرق زیر به دست می‌آید:

از طریق تقویت ایمان

تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب آن

کمال‌طلبی همراه با عبادات خالصانه

این شناخت را شهودی می‌گویند؛ زیرا قلب انسان عارف، چنان حقیقت را درمی‌یابد، گویی با چشم ظاهری خود آن‌ها را دیده است.

عارف ممکن است بتواند در همین دنیا:

آخرت را مشاهده کند.

سایر عوالم را ببیند.

وجود فرشتگان را دریابد.

بنابراین معرفت شهودی.

بی‌واسطه است.

تدریجی و گام‌به‌گام است.

با تهذیب نفس و سیر و سلوک میسر می‌شود.

### وحی

نوعی دیگر از شهود قلبی نیز وجود دارد که فقط خاصه پیامبران و انبیاء الهی است و برترین نوع شهود است. خداوند معارفی را از طریق وحی در اختیار بشر قرار می‌دهد که معارف وحیانی نام دارد. قرآن کریم نمونه‌ای از معرفت وحیانی است.

### در شهود و وحیانی

خداوند حقایق، معانی و عبارات را بر قلب پیامبر نازل می‌کند.

پیامبر آن عبارات و معانی را دریافت می‌کند.

بدون هیچ دخل و تصرف به انسان می‌رساند.

### درس ۸: نگاهی به تاریخچه معرفت

حال که ابزار کسب شناخت و قلمرو هر کدام را شناختیم، باید ببینیم که هر یک از فلاسفه چه نظری پیرامون ابزارهای کسب معرفت و محدوده آن‌ها داشتند. برای این منظور همه دوره‌های تاریخی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. تاریخ فلسفه را به چهار دوره می‌توان تقسیم کرد: ۱) دوره یونان باستان، شامل فلاسفه پیش از سقراط و بعد از آن مانند افلاطون و ارسطو و شاگردان این دو ۲) دوره فلاسفه اروپایی قرون وسطا تا ابتدای رنسانس ۳) دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام با ظهور فلاسفه‌ای مانند ابن‌سینا و فارابی و... ۴) دوره جدید اروپا از رنسانس با ظهور فلاسفه‌ای مانند بیکن، دکارت، کانت و... تاکنون

### دوره یونان باستان

#### آغاز اختلاف؛ حس یا عقل

در این دوره هنوز معرفت‌شناسی به صورت شاخه‌ای مستقل مطرح نبود، اما مسئله شناخت اولین بار در بین دانشمندان یونان باستان به کار گرفته شد. چون توجه کمتری به شناخت عقلی می‌شد، اکثر دانشمندان در آن زمان حس را منبع موثقی برای شناخت می‌دانستند و توجه کمتری به شناخت عقلی داشتند.



رویکرد معرفت‌شناسی فلاسفه یونان باستان	
ابزار شناخت	نام متفکر
هم حس و هم عقل	هراکلیتوس
فقط عقل	پارمنیدس
نه حس و نه عقل	سوفسطائیان
حس به صورت فردی و موقتی	پروتاگوراس
حس، عقل، شهود	افلاطون
هم حس و هم عقل	ارسطو

### دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران

• تمام فلاسفه اسلامی سه ابزار حس، عقل و شهود را معتبر می‌دانند، اما میان آن‌ها در نحوه به‌کارگیری این ابزارها اختلاف نظر وجود دارد:

#### • فارابی و ابن‌سینا

- هم عقل و هم حس را معتبر می‌دانستند.
- برای شناخت و حیانی اعتبار خاص قائل بودند و آن را یکی از راه‌های شناخت می‌دانستند که مختص پیامبران است.
- نیم‌نگاهی به معرفت‌شهودی داشتند؛ اما آن را در دستگاه فلسفی خود وارد نمی‌کردند.
- ابن‌سینا در یکی از کتاب‌هایش به تبیین عرفان می‌پردازد و به‌طور دقیق معرفت‌شهودی را توضیح می‌دهد. اما از ارتباط آن با فلسفه سخنی نمی‌گوید.

#### • سهروردی

- لقب وی **شیخ اشراق** است.
- علاوه‌بر فلسفه در عرفان نیز شخصیت مهمی به‌شمار می‌رود.
- تأکید وی بر معرفت‌شهودی بوده است.
- کوشید آنچه از طریق اشراق به دست آورده، تبیین استدلالی کند و به پیوند میان عقل و شهود معتقد بوده است.
- نظام فلسفی خود را بر پایه **شهود** بنا کرد.

#### • ملاصدرا

- معرفت‌شهودی را در کنار معرفت‌عقلی به کار برده است.
  - توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که هم هویت کاملاً فلسفی دارد و البته از شهود و اشراق هم بهره‌مند است.
  - بین فلسفه و معرفت و حیانی پیوند برقرار کرد.
  - اثبات کرد تناقضی میان عقل و وحی وجود ندارد، بلکه عقل و وحی مؤید یکدیگرند.
- سخن ملاصدرا در کتاب «اسفار»: «عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت نورانی با معارف یقینی و ضروری عقل تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلاسفه‌ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.»

#### • نظر علامه طباطبایی درباره دستگاه فلسفی ملاصدرا

- مرحوم علامه پایه مباحث ملاصدرا را پیوند عقل، کشف و شرع می‌داند.
- او معتقد است ملاصدرا در راه کشف حقایق الهیات از **مقدمات برهانی و مطالب کشفی** (شهودی) و **مواد قطعی دینی** استفاده کرده است.
- او اعتقاد داشت تمام فلاسفه قبل از ملاصدرا در پی پیوند این منابع بودند؛ اما ملاصدرا این کار را کامل کرده است.

#### • نظر هراکلیتوس درباره ابزار معرفت:

• در دروس قبل با هراکلیتوس و نظریه تغییر و تحول دائمی جهان آشنا شدیم. او درباره ابزار کسب معرفت، معتقد است:

- شناخت حسی معتبر است؛ چون ما وجود **حرکت و تغییر** را از طریق حس درمی‌یابیم و درک می‌کنیم، در نتیجه می‌توانیم به حس اعتماد کنیم.
- او علاوه‌بر حس، عقل را نیز ابزار معتبری برای شناخت به‌شمار می‌آورد.

#### • نظر پارمنیدس درباره ابزار شناخت:

- شناخت حسی را به‌دلیل وجود خطا در آن معتبر نمی‌دانست.
- به اعتقاد وی چون خطا در حس وجود دارد و ما حرکت را از طریق حس درک می‌کنیم، در نتیجه حرکت هم وجود ندارد و اشیاء ثابت هستند.

### بی‌اعتباری کل معرفت

• نوبت به سوفسطائیان رسید. آن‌ها به دلیل استفاده از مغالطات و وجود اختلاف نظرها میان دانشمندان در به‌کارگیری ابزار کسب معرفت:

- اصل امکان شناخت را زیر سؤال می‌بردند. (اعتقاد به شکاکیت مطلق)
- معتقد بودند نه از راه حس و نه از راه عقل نمی‌توان به شناخت رسید؛ چون معتقد بودند انسان، توانایی شناخت واقعیت را ندارد.
- در نتیجه به این اصل اعتقاد داشتند که اگر چیزی را حس می‌کنیم، این به‌معنای این نیست که حس ما از یک واقعیت بیرونی خبر می‌دهد (یعنی با حس نمی‌توان به واقعیت رسید). به عبارت دیگر ما چیزی جز احساس در اختیار نداریم.

#### • نظریه پروتاگوراس

- پروتاگوراس یکی از همین سوفسطائیان معروف بود. او اعتقاد داشت:
- حقیقت همان چیزی است که حواس هرکس به آن گواهی می‌دهد.
- حقیقت امری یکسان نیست و می‌تواند نسبت به هرکس متفاوت باشد.
- اشیاء هر طوری که در هر نوبت به نظر من می‌آیند در آن نوبت همان‌طور هستند و هر طور به نظر تو می‌آیند برای تو نیز همان‌طور هستند.

### اعتبار حس و عقل

• با وجود سوفیست‌هایی که معتقد به اصل شکاکیت مطلق بودند، فلاسفه‌ای مانند سقراط، افلاطون و ارسطو کوشش کردند راه‌های معتبر شناخت و روش‌های رسیدن به آن را تبیین کنند و راه‌های گریز از خطا را هم توضیح دهند:

#### • ارسطو

- او با تدوین منطق توانست قواعد استدلال صحیح و شیوه مصون ماندن از مغالطه را آموزش دهد و مانع رشد سفسطه در جامعه شود.
- ادراک حسی را معتبر می‌دانست.
- استدلال کردن را به‌عنوان یک کار عقلی معتبر می‌دانست و معتقد بود عقل می‌تواند به امور ماورای حس پی ببرد و آن‌ها را ثابت کند.

#### • افلاطون

- از نظر وی هم حس و هم عقل معتبر هستند؛ اما شناخت عقلی مطمئن‌تر از شناخت حسی است.
- اموری که عقل درک می‌کند ارزش بیشتری دارد.
- با شناخت حسی فقط می‌توان عالم مادی را شناخت؛ اما با عقل و شهود می‌توان جهان برتر (عالم مُثُل) را درک کرد.
- شهود قلبی را باور داشت و معتقد بود **سقراط** عالم مُثُل را مشاهده کرده است.



**کانت**

- بعد از حدود دو قرن درگیری بین این دو گروه نوبت به کانت در قرن هجدهم رسید.
- او تلاش کرد با طرح دیدگاه جدید بین این دو گروه پیوند برقرار کند و نشان دهد معرفت و شناخت از همکاری حس و عقل با یکدیگر به وجود می‌آید.
- کانت معتقد بود تصوراتی مثل زمان، مکان و مفاهیمی مانند علیت در قوای ادراکی انسان وجود دارد و این مفاهیم با استفاده از حس و تجربه به دست نمی‌آید.
- به نظر او انسان آنچه را از طریق حس به او می‌رسد، در قالب **مفاهیم عقلی** درک می‌کند.
- به عنوان مثال انسان روشن شدن زمین را بعد از طلوع خورشید درمی‌یابد؛ اما وقتی می‌تواند بگوید طلوع خورشید علت روشن شدن زمین است که به کمک مفهوم علیت که خودش در دستگاه ادراکی وجود دارد، میان تصور طلوع خورشید و روشن شدن رابطه برقرار کند.

**حرکت به سوی تجربه‌گرایی مطلق**

- بعد از درگیری‌های زیاد بین این دو گروه، سرانجام **تجربه‌گرایان** توانستند پیروز میدان باشند و تجربه‌گرایی به یک دیدگاه غالب در اروپا تبدیل شد.
- در جریان تجربه‌گرایی نیز دیدگاه‌های مختلفی به وجود آمد که افراطی‌ترین آن‌ها **پوزیتیویسم یا اثبات‌گرایی** نام داشت.
- یکی از مؤسسان این مکتب که این اصطلاح را اولین بار استفاده کرد، **اوگوست کنت** فیلسوف قرن نوزدهم میلادی است.
- **پوزیتیویسم‌ها** معتقد بودند:

- ۱ تنها راه رسیدن به شناخت، تجربه است.
- ۲ تنها مفاهیمی را می‌توانیم بررسی کنیم که تجربه‌پذیر باشند.
- ۳ اگر مفهومی را نتوانیم با تجربه بررسی کنیم، آن مفهوم بی‌معناست.
- ۴ مفاهیمی مانند خدا، روح و نفس که تجربه نمی‌تواند در مورد نفی یا اثبات آن‌ها نظر بدهد، معنای روشن ندارند. لذا قابل بررسی علمی نیستند.

**رشد اندیشه نسبی‌گرایی**

- کنار گذاشته شدن استدلال عقلی و توجه به تجربه باعث رشد دانش‌هایی شد که بر تجربه استوار بودند، مثل فیزیک، شیمی و...
- اما مشکلات عدیده‌ای در اثر تجربه‌گرایی خود را نشان داد و باعث **ظهور گروهی به نام نسبی‌گرایان گردید**، این مشکلات عبارت‌اند از:
  - ۱ تجربه توانایی تبیین هر مسئله‌ای را ندارد؛ مثلاً نمی‌تواند دربارهٔ ۱- نیاز جهان به مبدأ ۲- وجود عوالم دیگر ۳- بررسی خوب و بد اخلاقی اظهار نظر کند چون دارای محدودیت است.
  - ۲ مسائلی مانند ۱- ناتوانی تجربه در شناخت تمام خصوصیات اشیاء ۲- احتمالی بودن نتایج تجربی ۳- تفاوت‌های موجود در تجربه‌ها که می‌تواند قطعیت قوانین تجربی را زیر سؤال ببرد.
- چنین مشکلاتی سبب شد جریان‌های نسبی‌گرا در داخل تجربه‌گرایی ظهور کنند.
- نسبی‌گرایان معتقدند هر فرد متناسب با ویژگی خود به شناختی می‌رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است؛ بنابراین شناخت هر کس فقط برای خودش اعتبار دارد.
- این دیدگاه به تدریج به همهٔ حوزه‌های دیگر دانش‌ها مثل اخلاق، دین، حقوق، انسان‌شناسی و... سرایت کرد.

**نکته:** دیدگاه نسبی‌گرایان تا حدی به دیدگاه پروتاگوراس شباهت دارد.

**نکته:** فلاسفهٔ مسلمان دورهٔ معاصر سخن علامه طباطبایی در خصوص اعتبار همهٔ ابزارهای شناخت را تأیید کرده‌اند.

**دورهٔ جدید اروپا**

- دورهٔ جدید اروپا از قرن **شانزدهم** آغاز شده و تاکنون ادامه یافته است.
- ↳ در این دوره، اروپا به تدریج از حاکمیت کلیسا خارج می‌شود. علوم تجربی گسترش می‌یابد. تحولات زیادی در زمینه‌های مختلف سیاست، فرهنگ و فلسفه رخ می‌دهد.

**دو جریان فکری در دورهٔ جدید اروپا**

- در ابتدای عصر جدید اروپا دو جریان مهم شکل گرفت، یکی از این دو جریان معتقد بود که در کسب معرفت، حس ارزش بیشتری دارد و جریان دیگر بر استدلال و شناخت عقلی تأکید داشت.
- پیشگامان دورهٔ جدید فلسفه در اروپا **«بیکن و دکارت»** بوده‌اند.
- در این دوره به معرفت‌شناسی توجه ویژه شد و مسائل معرفت‌شناسی کانون بحث و جدال قرار گرفت.
- نتیجهٔ این بحث و اختلاف نظر باعث شکل‌گیری دو جریان مهم گردید:
  - ↳ تجربه‌گرایان ← اهمیت به **تجربه** در کسب معرفت
  - ↳ عقل‌گرایان ← اهمیت به **عقل و استدلال عقلی** در کسب معرفت

**توجه به تجربه**

- گروهی از فلاسفه معتقد بودند که فقط حس و تجربه ما را به شناخت می‌رساند و چون برای تجربه و حس ارزش بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می‌دانستند به **تجربه‌گرایان** مشهور شدند.
- **بیکن** ← از نخستین کسانی بود که بر اهمیت تجربه و حس اصرار می‌ورزید. بنا به نظر وی، فلاسفهٔ قدیم به دلیل دنباله‌روی از ارسطو بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و همین باعث شده بود علوم تجربی در خرافات محصور بماند و پیشرفت نکند.
- **جان لاک** ← بعد از بیکن روش او را دنبال کرد و بر تجربه‌گرایی تأکید داشت.

**نکته:** تأکیدی که فلاسفه‌ای مانند جان لاک بر تجربه‌گرایی داشتند سبب شد توجه دانشجویان و پژوهشگران به علوم تجربی بیشتر شود و همین عامل زمینه‌ساز پیشرفت‌های علمی گردید.

**توجه به عقل**

**دکارت**

- به تفکر عقلی اهمیت بسیار می‌داد.
- بر خلاف بیکن معتقد بود عقل انسان به‌طور ذاتی **معرفت‌هایی** دارد که آن‌ها را با عقل درک می‌کند نه با تجربه، مثل معرفت نسبت به وجود نفس مجرد و وجود خدا که انسان برای فهم این موارد نیاز به حس و تجربه ندارد.
- مخالف با تجربه و علم تجربی نبود.
- آنچه سبب جدایی دکارت از تجربه‌گرایان می‌شد، قبول گزاره‌ها و قواعد عقلانی بود که از طریق تجربه قابل دستیابی نبودند و فقط متکی بر استدلال عقلی بودند.



### • ظهور پراگماتیسم

- پراگماتیسم یا اصالت عمل، یعنی عدم اعتبار تجربه برای رسیدن به حقیقت و واقعیت.
- پراگماتیسم‌ها معتقدند هدف کشف واقعیت نیست، بلکه انسان‌ها نیازمند باورهای مفیدی هستند که در عمل به کار می‌آید و سودمندی خود را نشان می‌دهد: مثلاً کسی که باور دارد، آب جوش، داغ است به آب جوش دست نمی‌زند. همین فایده به معنی درست و سودمند بودن است.
- جریان تجربه‌گرایی در قالب‌های جدید همچنان جریان غالب در اروپا و آمریکا است و بر عقل‌گرایی غلبه دارد. برخی از فلاسفه در عین قبول تجربه‌گرایی به شهود معنوی و تجربه دینی به عنوان نوعی شناخت قلبی معتقد هستند. مانند **ویلیام جیمز** و **برگسون** که به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقدند و به بعد معنوی انسان اهمیت می‌دهند.

## درس ۹: چیستی انسان (۱)

### حقیقت انسان چیست؟

- توجه به حقیقت و چیستی انسان از همان آغاز شکل‌گیری فلسفه، ذهن اندیشمندان را به خود مشغول ساخته بود.
- طرح مسائلی چون جایگاه انسان در جهان چیست؟ انسان چگونه تعریف می‌شود؟ فرق انسان و موجودات دیگر در چیست؟ و... از جمله پرسش‌ها و مسائلی است که در انسان‌شناسی مورد بحث قرار می‌گیرد.
- فلاسفه به بیان نظرات و دیدگاه‌هایی در خصوص حقیقت انسان پرداخته‌اند که گاه با یکدیگر متفاوت و گاه متضادند؛ بنابراین تأمل در این دیدگاه‌ها می‌تواند دید روشن و دقیقی به ما عرضه کند.
- مطابق با زمانبندی تاریخی، ابتدا دوره یونان باستان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### • دوره یونان باستان

#### • دیدگاه افلاطون

- او شاگرد سقراط بود، در نتیجه در خیلی از مسائل با سقراط هم‌عقیده بود.
- اولین دیدگاه که به‌طور واضح و روشن در مباحث انسان‌شناسی و حقیقت انسان مطرح گردید، دیدگاه افلاطون بود.
- او در انسان‌شناسی معتقد است،

انسان دارای دو بُعد است: ۱- مادی ۲- غیرمادی  
 او حقیقت برتر انسان را بُعد غیرمادی او می‌داند که همان نفس اوست.  
 با ارزش‌ترین دارایی انسان را نفس او می‌داندست و مراقبت از آن را جهت کسب فضائل و وظیفه هر انسانی می‌داندست.  
 وجه تمایز انسان و سایر موجودات را در نفس انسان می‌داندست: چون معتقد بود عقل و خرد مربوط به نفس و جزئی از آن است؛ بنابراین اگر انسان نفس نداشت، توانایی تعقل هم نداشت.  
 نفس انسان چون مادی نیست، در نتیجه جاودان و فناپذیر است.

#### • نفس از نظر سقراط و افلاطون

همان حقیقت برتر انسان است.  
 محدودیت‌های بدن و بعد مادی را ندارد.  
 غیرمادی است و به همین علت قابل رؤیت نیست.  
 فناپذیر نیست و با مرگ متلاشی نمی‌شود.  
 قابلیت کسب کمالات را دارد.  
 متمایزکننده انسان از سایر موجودات است.

### • دیدگاه ارسطو

- ① ارسطو مانند افلاطون معتقد بود: قوه نطق و تفکر و همچنین جاودانگی و حیات مربوط به بعد غیرمادی انسان است، نه به بعد مادی و جسم انسان؛ بنابراین بدن بدون نفس فقط یک موجود مرده است. ② او معتقد است نفس در ابتدای تولد به صورت یک استعداد در انسان وجود دارد که به تدریج می‌تواند فضائل و رذایل را کسب کرده و این استعداد را از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل کند و کامل شود. ③ مقصود اصلی ارسطو از نطق بودن انسان قوه تفکر و تعقل اوست. یعنی انسان با قوه تفکر خود استدلال می‌کند و در هنگام استدلال گویی با خود نطق می‌کند و بعد از آن با سخن گفتن و نطق، محتوای استدلال را به دیگران منتقل می‌کند.

#### • نفس از نظر ارسطو

قوه نطق (تفکر) در درون نفس قرار دارد.  
 عامل حیات انسان است، و بدن بدون آن موجودی مرده است.  
 در ابتدای تولد در حالت بالقوه قرار دارد و به تدریج به فعلیت می‌رسد.  
 فناپذیر است و بعد از مرگ به حیاتش ادامه می‌دهد.

### • دوره جدید اروپا

- دو جریان اصلی در بین فلاسفه اروپایی در زمینه انسان‌شناسی وجود دارد: ① اعتقاد به وجود نفس و بعد غیرمادی در انسان ② اعتقاد به تک‌ساحتی بودن و مادی بودن محض انسان

#### • دکارت

- ① انسان دارای دو بعد است: «روح و بدن»، که بدن حقیقت انسان را تشکیل نمی‌دهد. ② بدن فقط یک ماشین پیچیده است که به‌طور خودکار فعالیت می‌کند. ③ مرکز اندیشه و قوه تعقل انسان، نفس یا روح اوست. ④ این دو بعد کاملاً مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوتی دارند. ⑤ بدن چون جسم است، از قوانین فیزیکی تبعیت می‌کند و آزاد نیست. ⑥ روح چون جسمیت ندارد از قوانین فیزیکی آزاد است.

**نکته:** تفاوت نظر دکارت با ارسطو و افلاطون در این است که افلاطون و ارسطو انسان را ترکیبی از روح و بدن می‌دانند، اما دکارت معتقد است انسان فقط نفس اوست و جسم فقط یک ماشین است.

#### • کانت

- کانت نیز مانند دکارت انسان را دارای نفس می‌داند. او برای اثبات وجود نفس در انسان از یک **برهان اخلاقی** استفاده کرده است:  
 انسان موجودی است دارای وجدان اخلاقی که این وجدان به دلیل ویژگی اختیار و اراده در انسان قرار دارد.  
 اختیار و اراده نمی‌تواند مربوط به ویژگی بدن و جسم باشد.  
 بنابراین ویژگی دیگری در انسان وجود دارد که انسان موجودی مختار شده که این ویژگی همان نفس اوست.  
**ویژگی‌های برهان کانت برای اثبات نفس،**  
 ① با بیان معلول، وجود علت را ثابت می‌کند.  
 ② انسان را موجودی اخلاقی می‌داند.  
 ③ انسان را دارای اختیار و اراده می‌داند.  
 ④ اراده و اختیار را ویژگی نفس می‌داند.

**نکته:** عموم فلاسفه عقل‌گرا معتقدند انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی و برتر نیز دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است.



ردیف	سؤالات	نمره
<b>درس اول</b>		
۱	تعیین کنید کدام عبارت درست و کدام یک نادرست است. الف) نمی توان گفت بدون تفکر کاری از انسان ساخته نیست. ب) با عبور از مرحله اول تفکر، انسان به طور جدی و پیوسته درگیر پرداختن به سؤالات فلسفی خواهد شد. <b>پرتکرار</b>	۰/۵ <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست
۲	جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. واژه فلسفه در ابتدا به دانش ..... اختصاص داشته و شامل همه دانش ها ..... است.	۰/۵
۳	هر یک از گزینه های سمت راست را به گزینه مناسب در سمت چپ متصل کنید. (یک مورد در سمت چپ اضافه است). الف) روش فلسفه <input type="radio"/> ۱- مقاله کار ب) معنای فعلی سوفیست <input type="radio"/> ۲- اصل وجود ج) موضوع فلسفه <input type="radio"/> ۳- حس و تجربه د) معنای اولیه سوفیست <input type="radio"/> ۴- استدلال عقلی <input type="radio"/> ۵- دانشمند	۲
۴	به سؤال زیر پاسخ کامل دهید. مراحل اندیشه ورزی و تفکر در انسان را به ترتیب نام ببرید. <b>پرتکرار</b>	۱
<b>درس دوم</b>		
۵	گزینه مناسب را از میان کلمات داخل پرانتز انتخاب کنید. الف) مبانی و زیربنای علوم در (خاص آن علم - فلسفه مضاف آن علم) بررسی می شود. ب) لفظ فلسفه دارای ریشه (هربی - یونانی) است.	۱
۶	به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید. الف) ریشه های دانش فلسفه: ب) فلسفه مضاف علم اخلاق: ج) کسی که وجود را بر دو قسم می داند در کدام بخش می تواند انسان را دارای دو بعد مادی و معنوی بداند؟ د) بخش اصلی فلسفه در صدد بررسی چیست؟ <b>پرتکرار</b>	۲
<b>درس سوم</b>		
۷	تعیین کنید کدام عبارت درست و کدام یک نادرست می باشد. الف) باورها فلسفه انسان را می سازند اما نقشی در تعیین اهداف ندارند. ب) تمثیل غار نشان می دهد که فلسفه چگونه انسان را از نادانی به درک حقیقت هدایت می کند.	۰/۵ <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست
۸	جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. الف) آدم هایی که کمتر به اموری مانند حقیقت انسان و جهان می اندیشند در انتخاب ..... نیز دقت چندانی ندارند و بیشتر ..... دیگران اند. ب) باورهای انسان مبنای ..... و ..... او هستند.	۱
۹	گزینه صحیح را انتخاب کنید. در رابطه با رهایی از عادات غیرمنطقی خصوصیات متفکران و فلاسفه در چیست؟ ۱) تفکرات فلسفی و تأمل در باورها ۲) استقامت و پایداری	۰/۵
۱۰	به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید. الف) اگر بر حسب اتفاق زنجیر یکی از زندانیان پاره شود و به سوی مدخل غار برود زندانی چه کاری انجام می دهد؟ ب) فرق فیلسوف با دیگران در رابطه با تفکر در مسائل بنیادی را بیان کنید. <b>پرتکرار</b>	۱

ردیف	سوالات	نمره
<b>درس چهارم</b>		
۱۱	تعیین کنید کدام عبارت درست و کدام یک نادرست می باشد. الف) به عقیده هراکلیتوس اموری که با هم ضد هستند نمی توانند با یکدیگر جمع شوند. ب) اندیشمندانی که در دوره یونان باستان بودند فقط به تفکر فلسفی می پرداختند.	۰/۵ <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست
۱۲	هریک از عبارات زیر به کدام فیلسوف اشاره دارد؟ الف) در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی توان گفت «نیستی، هست». ب) پیش بینی کرد که در سال ۵۸۰ قبل از میلاد خورشید گرفتگی رخ می دهد.	۱
۱۳	به سوالات زیر پاسخ کامل دهید. الف) چرا سخن هراکلیتوس و پارمنیدس نقطه مقابل یکدیگر است؟ <b>پرتکرار</b> ب) چرا سوفیست ها نظریات اندیشمندان و جهان شناسان باستان را بیهوده می دانستند؟	۱/۵ ۱
<b>درس پنجم</b>		
۱۴	گزینه صحیح را انتخاب کنید. تفکرات فلسفی سقراط در ..... تبلور یافته و زندگی او در ..... روایت گردیده است. ۱) کتاب هایش - آثار ارسطو ۲) زندگی اش - آثار ارسطو ۳) زندگی اش - آثار افلاطون ۴) کتاب هایش - آثار افلاطون	۰/۵
۱۵	هر یک از گزینه های سمت راست را به گزینه مناسب در سمت چپ متصل کنید. <b>پرتکرار</b> الف) پیام سروش معبد دلفی ب) نماینده سوفیست ها در دادگاه ج) دانای حقیقی از نظر سقراط د) جرم اصلی سقراط ۱- انکار خدایان ۲- ملتوس ۳- خداوند ۴- داناترین مردم سقراط است	۲
۱۶	به سؤال زیر پاسخ کوتاه دهید. چه کسی از نظر سقراط هراسی از خطر به دل راه نمی دهد؟	۰/۵
<b>درس ششم</b>		
۱۷	تعیین کنید کدام عبارت درست و کدام یک نادرست می باشد. الف) شناخت ما از جهان امری است که به تدریج حاصل نمی شود. <b>پرتکرار</b> ب) شکی نیست که ما موجودی هستیم که از خود و جهان پیرامون خود شناختی داریم.	۰/۵ <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/> درست <input type="checkbox"/> نادرست
۱۸	جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. الف) در گذشته برخی از مباحث معرفت شناسی در ضمن مباحث ..... مطرح می شد. ب) انسان با اشیاء و پدیده های پیرامون خود از طریق ..... ارتباط برقرار می کند و از آن ها استفاده می کند.	۰/۵
۱۹	از بین کلمات داخل پراتنز گزینه مناسب را انتخاب کنید. الف) شعار «هیچ چیز وجود ندارد» از سوفسطایی معروف به نام (گرگیاس - پروتاگوراس) نقل شده است. ب) پیشرفت علم دلیلی بر توانایی بشر برای رسیدن به (اصل جود - معرفت) می باشد.	۱
۲۰	اصطلاحات زیر را تعریف کنید. الف) شکاکیت مطلق: <b>پرتکرار</b> ب) امکان معرفت:	۱
جمع نمره		۲۰



ردیف	سوالات	نمره
۱	<p>تعیین کنید کدام عبارت درست و کدام یک نادرست می‌باشد.</p> <p>الف) ملاصدرا معتقد است که ورود به پرسش‌های اساسی و تفکر در آن‌ها فطرت اول است. <b>پرتکرار</b></p> <p>ب) در صورتی که عقل بر قوه غضب حاکم شود این قوه به صفت شجاعت می‌رسد.</p> <p>ج) دکارت فیلسوف فرانسوی می‌گوید «منظور از من همان بدن است».</p> <p>د) آنچه در وجودشناسی پذیرفته می‌شود شالوده نظریات در علوم قرار می‌گیرد. <b>پرتکرار</b></p> <p>ه) انسان می‌تواند علل پیدایش افسردگی و شادی را به کمک شهود قلبی خود کشف کند.</p> <p>و) دفاعیه سقراط بیاتیه‌ای فلسفی است که همه اصول زندگی او را در بر می‌گرفت.</p> <p>ز) مطابق با نظر فلاسفه یونانی معیارهای فعل اخلاقی از انسانی به انسان دیگر متغیر است و با گذشت زمان تغییر می‌کند.</p> <p>درست <input type="checkbox"/> نادرست <input type="checkbox"/></p>	۱/۷۵
۲	<p>جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.</p> <p>الف) فیثاغورس ریاضی را با ..... و ..... در آمیخت و دستگاه فلسفی عمیقی بنیان نهاد.</p> <p>ب) به نظر شیخ اشراق سایر مراتب وجود ترکیبی از ..... و ..... هستند. <b>پرتکرار</b></p> <p>ج) تمثیل خار افلاطون در کتاب ..... آمده است.</p> <p>د) از نظر فلاسفه طبیعت‌گرا ریشه فعل اخلاقی را باید در ..... جست‌وجو کرد.</p> <p>ه) فلسفه به بررسی ..... و حقیقت جهان، طبیعت و انسان می‌پردازد.</p>	۱/۷۵
۳	<p>گزینه صحیح را انتخاب کنید.</p> <p>الف) در چه صورت زندگی انسان معنای نادرستی پیدا می‌کند؟</p> <p>(۱) عدم تفکر فلسفی</p> <p>(۲) خطا در انتخاب اهداف</p> <p>(۳) تقلید از دیگران</p> <p>(۴) اتکا به دانسته‌های خود</p> <p>ب) توانایی انسان در شناخت تفاوت‌ها و تمایزات اشیاء یکی از نشانه‌های ..... می‌باشد.</p> <p>(۱) شناخت عقلی</p> <p>(۲) شناخت تجربی</p> <p>(۳) شهود و حس</p> <p>(۴) اعتبار حسی</p> <p>ج) در دستگاه فلسفی کدام فیلسوف مسلمان، از هر سه ابزار معرفتی استفاده شده است؟ <b>پرتکرار</b></p> <p>(۱) فارابی</p> <p>(۲) سهروردی</p> <p>(۳) ابن‌سینا</p> <p>(۴) ملاصدرا</p> <p>د) با بیان کدام یک از عبارات زیر فرد دچار تناقض شده است؟</p> <p>(۱) هیچ‌کس نیست که بتواند آنچه را خودش فهمیده به دیگری هم منتقل کند.</p> <p>(۲) هیچ‌کس نیست که بتواند واقعیت داشتن یا نداشتن جهان را با علم اثبات کند.</p> <p>(۳) هیچ‌یک از شناخت‌هایی که تاکنون درباره ساختار جهان به دست آورده‌ایم عین واقعیت نیست.</p> <p>(۴) حواس ما کم‌وبیش دچار خطا می‌شود بنابراین هیچ یک از یافته‌های حواس قابل اعتماد نیست.</p> <p>(سراسری ۱۴۰۰)</p>	۱
۴	<p>هریک از گزاره‌های زیر اندیشه کدام فیلسوف می‌باشد؟</p> <p>الف) انسان دارای وجدان اخلاقی است و این ویژگی بدون اختیار معنایی ندارد.</p> <p>ب) انسان یک موجود تک‌ساحتی است.</p> <p>ج) گزاره‌هایی که از طریق تجربه قابل نفی و اثبات نیستند بی‌معنا هستند.</p> <p>د) روح انسان آخرین درجه تکاملی موجودات است.</p> <p>ه) روح انسان جنبه هیرمادی دارد و از جنس مجردات است.</p> <p>و) نفس انسان همان جنبه نوراتی وجود اوست.</p> <p>۱- ابن‌سینا <input type="radio"/></p> <p>۲- شیخ اشراق <input type="radio"/></p> <p>۳- ملاصدرا <input type="radio"/></p> <p>۴- ماتریالیست‌ها <input type="radio"/></p> <p>۵- کنت <input type="radio"/></p> <p>۶- کانت <input type="radio"/></p>	۱/۵
۵	<p>گزینه مناسب را از میان کلمات داخل پرانتز انتخاب کنید.</p> <p>الف) اینکه «دامنه کوه هم سربالایی دارد هم سرپائینی» مثالی است برای نظریه (وحدت اعداد - وجود و حرکت).</p> <p>ب) اولین دانشمندی که به پایه‌گذاری مبانی علوم تجربی پرداخت (ارسطو - افلاطون) است. <b>پرتکرار</b></p>	۱



ردیف	سؤالات	نمره
۶	اصطلاحات زیر را تعریف کنید. الف) فطرت ثانی: <b>پرتکرار</b> ب) فلسفه مضاف: ج) پراگماتیسم: د) وحدت اضداد: ه) شکاکیت مطلق: <b>پرتکرار</b>	۲/۵
۷	به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید. الف) از نظر افلاطون فعل اخلاقی با چه چیزی ارتباط دارد؟ ب) نظر ماتریالیست‌ها درباره ذهن چیست؟ ج) هدف افلاطون از بیان تمثیل خار چه بود؟ د) چه عاملی باعث رشد معرفت‌شناسی و توجه بیشتر فلاسفه جدید به آن شد؟ ه) دو جریان فکری در دوره جدید اروپا را نام ببرید. و) طبق دیدگاه ارسطو حالت افراط و تفریط قوه شهوت چه نام دارد؟	۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵
۸	به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید. الف) مراحل اندیشه‌ورزی و تفکر در انسان را به ترتیب نام ببرید. <b>پرتکرار</b> ب) سه قاعده از قواعد عقلی مهم که شناخت تجربی متکی بر آن‌هاست را بیان کنید. ج) دوره جدید اروپا از چه زمانی آغاز گردید و این دوره چه ویژگی‌هایی دارد؟ د) نظر ارسطو درباره چیستی و حقیقت انسان را شرح دهید. ه) از نظر ملاصدرا آیا ظرفیت و استعداد بی‌نهایت انسان لزوماً به معنی رسیدن به کمالات است؟ و) توماس هابز در رابطه با فعل اخلاقی چه دیدگاهی دارد؟ <b>پرتکرار</b>	۱ ۱/۵ ۲ ۱ ۱ ۱
	جمع نمره	۲۰



# پاسخنامه تشریحی



## امتحان ۱ (نوبت اول)



- ۱ الف) درست (۰/۲۵) / ب) نادرست، برای نخستین بار فیثاغورس آن را به کار برد ولی سقراط آن را عمومی کرد. (۰/۲۵)
- ۲ الف) ۲ (۰/۵) / ب) ۴ (۰/۵) / ج) ۵ (۰/۵) / د) ۱ (۰/۵)
- ۳ گزینه «۲»: بدیهی است که هر دانشی قانونمندی‌های خودش را دارد و فلسفه هم قانونمند است و روش خاص خودش را دارد که روش استدلالی است. (۰/۵)
- بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: فلسفه به هیچ‌وجه برای هیچ مسئله‌ای از روش تجربی استفاده نمی‌کند. گزینه «۳»: قسمت دوم عبارت یک اشتباه ظریف دارد و آن اینکه گفته شده از آغازین روزهای حیات هر انسان تفکر فلسفی خودش را نشان می‌دهد که نادرست است. گزینه «۴»: انسان با دقت در زندگی روزمره دچار حیرت فلسفی نمی‌شود.
- ۴ الف) تلاش بشر برای پاسخ قانونمند به سؤالات فلسفی، موجب ظهور دانشی به نام فلسفه شده است. (۰/۵) / ب) سخنوری و وکالت (۰/۵)
- ۵ الف) فلسفه اولی (۰/۵) / ب) شاخه فلسفه (۰/۵) / ج) ریشه فلسفه (۰/۵) / د) دانش خاص (۰/۵)
- ۶ الف) گزاره غیرفلسفی (۰/۵) / ب) گزاره فلسفی (۰/۵)
- ۷ الف) دلیل - جدی (۰/۵) / ب) باورهای - پذیرش (۰/۵)
- ۸ گزینه «۲»: وقتی کسی با تأمل فلسفی باورهایش را بررسی می‌کند و به اصطلاح به فهم فلسفی می‌رسد و باورهای درست را می‌پذیرد، خودش بنیان‌های فکری خود را ساخته و به آزاداندیشی رسیده است. (۰/۵)
- ۹ استدلال و برهان (۰/۵)
- نکته: فیلسوف تابع افراد و اشخاص نیست.
- ۱۰ الف) اگر انسان قدرت تفکر خود را افزایش دهد (۰/۵) و با استفاده از قواعد تفکر در امور فلسفی بیندیشد. (۰/۵) / ب) زیرا برخی افراد گاهی بدون اینکه دقت کنند در زندگی خود، باوری را که مبنای آن یک مغالطه است پذیرفته (۰/۵) و بر اساس آن تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند. (۰/۵)
- ۱۱ الف) ارسطو (۰/۵) / ب) سهروردی (۰/۵) / ج) پارمنیدس (۰/۵) / د) هراکلیتوس (۰/۵)
- ۱۲ تئوری (۰/۵) - کیهان (۰/۵)
- ۱۳ الف) نادرست، از فضیلت است که ثروت و هرچه برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می‌آید. (۰/۲۵) / ب) درست (۰/۲۵)
- یادآوری: راز سرش معبد دلفی این بود که بنمایاند تا چه اندازه نادانیم.
- ۱۴ الف) ۲ (۰/۵) / ب) ۱ (۰/۵) / ج) ۳ (۰/۵) / د) ۵ (۰/۵)
- ۱۵ فقط به این خاطر که بگوید داناترین شما آدمیان کسی است که چون سقراط بداند هیچ نمی‌داند. (۰/۵)
- ۱۶ الف) درست (۰/۲۵) / ب) نادرست، ما در توانایی خود بر شناخت برخی امور شک می‌کنیم و این شک غیر از شک در اصل دانسته‌هاست. (۰/۲۵)
- نکته: شک در اصل دانسته‌ها همان شکاکیت مطلق است.

۱۷ آموختن (۰/۲۵) - یادگیری (۰/۲۵)

۱۸ گزینه «۳»: هرگاه شخصی در اصل دانستن شک کند، یعنی به یک شناخت و آگاهی دست یافته: بنابراین دانش در ذهن او شکل گرفته است و این گزینه نادرست می‌باشد. (۰/۵)

۱۹ تساوی (۰/۵)

نکته: نظریه معرفت همان معرفت‌شناسی است.

۲۰ الف) بله، گاهی متوجه می‌شویم که بعضی از دانسته‌های ما درست نبوده و دچار خطا شده‌ایم. (۰/۵) / ب) یعنی منجمان به تدریج ستارگان و سیارات بیشتری را شناسایی کرده‌اند و انتظار دارند که در آینده کرات دیگری را بشناسند. (۰/۵)

## امتحان ۲ (نوبت اول)



- ۱ الف) نادرست، می‌توان گفت بدون تفکر کاری از انسان ساخته نیست. (۰/۲۵)
- نکته: تعریف تفکر: واسطه رسیدن انسان از مجهول به معلوم و از پرسش به پاسخ را تفکر می‌گویند. بنابراین ما با کمک تفکر امور روزانه خود را سامان می‌دهیم. (ب) درست (۰/۲۵)
- ۲ خاص (۰/۲۵) - نمی‌شده (۰/۲۵)
- ۳ الف) ۴ (۰/۵) / ب) ۱ (۰/۵) / ج) ۲ (۰/۵) / د) ۵ (۰/۵)
- ۴ ۱- روبه‌رو شدن با مسئله (۰/۲۵) ۲- طرح سؤال (۰/۲۵) ۳- تفکر در اندوخته‌ها (۰/۲۵) ۴- رسیدن به پاسخ (۰/۲۵)
- ۵ الف) فلسفه مضاف (۰/۵) / ب) یونانی (۰/۵)
- ۶ الف) هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی (۰/۵) / ب) فلسفه اخلاق (۰/۵) / ج) انسان‌شناسی فلسفی (۰/۵) / د) اصل و حقیقت وجود و مسائل پیرامون آن (۰/۵)
- ۷ الف) نادرست، باورها نقش تعیین‌کننده در انتخاب اهداف دارند. (۰/۲۵) / ب) درست (۰/۲۵)
- ۸ الف) اهداف - دنباله‌رو (۰/۵) / ب) تصمیم‌گیری - عمل (۰/۵)
- ۹ گزینه «۲»: استقامت و پایداری متفکران حق طلب سبب می‌شود در نهایت مردم عقاید باطل خود را کنار بگذارند. (۰/۵)
- ۱۰ الف) از روشنایی خواهد گریخت و باز به سایه‌ها پناه خواهد برد. (۰/۲۵) و اعتقادش به سایه‌ها قوی‌تر خواهد شد. (۰/۲۵) / ب) درباره این مسائل به نحو جدی فکر می‌کند و با روش درست وارد این مسائل می‌شود. (۰/۵)
- ۱۱ الف) نادرست، اموری که با هم ضد هستند با یکدیگر جمع می‌شوند و وحدت اضداد است که جهان را می‌سازد. (۰/۲۵) / ب) نادرست، علاوه بر تفکر فلسفی کم‌وبیش با مجموعه علوم زمان خود آشنا بودند و به مسائل بنیادین نیز توجه می‌کردند. (۰/۲۵)
- ۱۲ الف) پارمنیدس (۰/۵) / ب) تالس (۰/۵)
- ۱۳ الف) زیرا هراکلیتوس معتقد بود هیچ چیز ثابتی در جهان وجود ندارد، دگرگونی، قانون زندگی و قانون کائنات است. (۰/۵) برخلاف او پارمنیدس جهان را ثابت می‌دانست (۰/۵) و می‌گفت هستی یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد. (۰/۵) / ب) چون معتقد بودند نظریات آن‌ها با یکدیگر متضاد است (۰/۵) و آنان نتوانسته‌اند تفسیر درستی از جهان ارائه دهند. (۰/۵)





۶ الف) سقراط (درس ۱) / ب) کسب فضیلت (درس ۵) / ج) پارمنیدس (درس ۴)

۷ الف) نمی‌توانست هیچ عملی انجام دهد (درس ۶) / ب) فلسفه هرکس (درس ۳) / ج) کسانی که در انتخاب هدف به خطا رفته و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است. (درس ۳) / د) دو طریق: ۱- حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید در مورد عناصر و پدیده‌های جهان و گشودن شاخه‌های جدید دانش (درس ۲) - ۲- از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آنها (درس ۶) / ه) ۱- انسان می‌تواند اشیاء را بشناسد. (درس ۶) / ۲- انسان در شناخت امور محسوس همواره خطا می‌کند. (درس ۶)

۸ الف) دانشمندان زمان سقراط و قبل از او، خود را سوفیست، یعنی دانشمند می‌خواندند. (درس ۳) / ب) دغدغه برخی از سوفیست‌ها بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود (درس ۲) و معتقد بودند جهان را نمی‌توان شناخت. (درس ۲) / ج) پیروزی بر رقیب را مهم‌ترین هدف خود می‌دانستند. (درس ۲) / د) در استدلال‌های خود بیشتر از مغالطه کمک می‌گرفتند که به ظاهر درست اما در واقع نادرست بود (درس ۲) و بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند. (درس ۲) / ه) دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش فرعی است. (درس ۲) / ب) بخش اصلی به منزله ریشه و اساس فلسفه است و بخش فرعی در حکم شاخه‌ها و ستون‌های فلسفه است. (درس ۲)

**یادآوری:** شاخه‌ها و ستون‌های فلسفه را فلسفه مضاف می‌گویند. **نکته:** اهل تفکر فلسفی لزوماً یک فیلسوف نیست. این انسان می‌تواند یک کارگر یا فیزیک‌دان و... باشد. اما همین که وارد این وادی شد در حال تمرین فلسفی است.

ج) اگر ما اطرافیان خود را زیر نظر بگیریم، می‌توانیم از لابه‌لای حرف‌هایی که می‌زنند یا رفتارهایی که دارند (درس ۲) برخی از ریشه‌های فکری آنان را کشف کنیم و بدانیم که آن‌ها چه عقیده و طرز فکری دارند (درس ۲) و اگر بتوانیم این طرز فکرها و عقیده‌ها را خوب تحلیل کنیم (درس ۲) می‌توانیم حدس بزنیم که آن‌ها در زندگی خود دنبال چه اهدافی هستند و زندگی برای آنان چه معنایی دارد. (درس ۳) / د) برخی انسان‌ها فارغ از اشتغالات روزانه لحظاتی به باورهای خود می‌اندیشند و نسبت به پذیرش آن‌ها تفکر می‌کنند. (درس ۲) / ه) آن‌ها می‌خواهند به ریشه باورهای خود برسند و چرایی قبول آن‌ها را مرور کنند. (درس ۲) / ب) اینان اهل تفکر فلسفی هستند (درس ۲) و می‌کوشند بنیان‌های فکری خود را در چارچوب عقل و منطق قرار دهند. (درس ۳)

### امتحان ۴ (نوبت اول)

۱ الف) نادرست، فلسفه‌های مضاف اساس و شالوده نظریات علمی است. (درس ۲) / ب) نادرست، پرسشگری از ویژگی‌های هر انسان است. (درس ۱) / ج) درست (درس ۳) / د) نادرست، نمی‌توان اطلاعات دقیقی از آغاز فلسفه ارائه داد. (درس ۴)

۲ الف) فطرت اول (درس ۵) - فطرت ثانی (درس ۱) / ب) تفکر عقلانی (درس ۵) - استواری فضیلت (درس ۵)

۳ الف) تالس (درس ۴) **نکته:** البته از تالس هیچ نوشته‌ای به جا نمانده است و از روی نوشته‌های فلاسفه بعدی برخی از افکار او را به دست آورده‌اند.

ب) هراکلیتوس (درس ۴) / ج) پارمنیدس (درس ۴) / د) پارمنیدس (درس ۴)

**یادآوری:** معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی جزء ریشه‌های فلسفه می‌باشند.

۱۴ گزینه ۳: تفکرات فلسفی سقراط در زندگی او متبلور است. او هیچ کتابی ننوشته و افلاطون شاگرد برجسته وی این زندگی را حکایت کرده است. (درس ۲)

۱۵ الف) ۴ (درس ۲) / ب) ۲ (درس ۱) / ج) ۳ (درس ۱) / د) ۱ (درس ۱)

۱۶ کسی که به راه درستی دست یافت و آن را در پیش گرفت. (درس ۲)

۱۷ الف) نادرست، شناخت ما از جهان به تدریج به دست می‌آید. (درس ۲) / ب) درست (درس ۲)

۱۸ الف) فلسفی (درس ۲) / ب) شناخت (درس ۲)

۱۹ الف) گرگیاس (درس ۲) / ب) معرفت (درس ۲)

۲۰ الف) یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها (درس ۲) که امری نشدنی و غیرممکن است. (درس ۲) / ب) امر بدیهی و روشن که به توانایی شناخت ما از پدیده‌ها و موجودات جهان و علم و آگاهی پیدا کردن نسبت به آن‌ها اشاره دارد. (درس ۲)

### امتحان ۳ (نوبت اول)

۱ الف) نادرست، فلسفه در حال حاضر به معنای دانش خاص می‌باشد. (درس ۱) / ب) درست (درس ۳) / ج) درست (درس ۶)

**نکته:** هم مفهوم معرفت و هم امکان معرفت اموری بدیهی هستند و نیاز به تعریف ندارند.

د) درست (درس ۳) / ه) نادرست، معرفت به وجود فرع بر امکان شناخت است. (درس ۲)

۲ الف) هندو (درس ۲) - گاتاهما (درس ۴) / ب) کمال نفس (درس ۲) / فضیلت (درس ۵) / ج) اعداد و اصول اعداد (درس ۴) / د) هراکلیتوس (درس ۴)

۳ الف) گزینه ۲: گرگیاس معتقد بود چیزی برای انسان قابل شناخت نیست و انسان امکان کسب معرفت و شناخت را ندارد. (درس ۶) / ب) گزینه ۴: سقراط می‌گفت خداوند مرا مأمور کرده تا در جست‌وجوی دانش بکوشم و آن را به دیگران بیاموزم. (درس ۵) / ج) گزینه ۳: نمی‌توان گفت مسائل فلسفی شباهتی به ریاضی ندارند چون مسائل فلسفی از جهت استدلالی بودن و عقلانی بودن و استفاده از روش قیاسی شبیه علم ریاضی هستند. (درس ۱)

**بررسی سایر گزینه‌ها:** علت رد گزینه ۱: هم در اقتصاد و هم در فیزیک از روش تجربی استفاده می‌کنیم.

علت رد گزینه ۲: در حل مسائل فلسفی نیز می‌توان در کنار روش استدلالی و عقلی و دریافتن مصادیق آن‌ها از روش تجربی بهره گرفت. / د) گزینه ۴: کسی که معتقد است حقیقت غیرقابل شناخت است ناخواسته به شناخت و معرفت دست یافته است: بنابراین دچار تناقض شده است. (درس ۶)

**بررسی سایر گزینه‌ها:** علت رد گزینه ۱: توانایی شناخت بشر محدود است. / علت رد گزینه ۲: کسی که منکر امکان شناخت است توانایی شناخت همه امور را منفی می‌داند نه برخی امور را.

علت رد گزینه ۳: با پیشرفت‌های حیرت‌آور همه دانش‌ها زیر سؤال نرفته‌اند و همچنان بسیاری از آن‌ها دارای اعتبار است.

۴ الف) پرسش فلسفی (درس ۲) / ب) پرسش فلسفی (درس ۲) / ج) پرسش غیرفلسفی (درس ۲) / د) پرسش غیرفلسفی (درس ۲)

۵ الف) ۲ (درس ۲) / ب) ۴ (درس ۲) / ج) ۳ (درس ۲)



۴ الف) ۳ (۰/۲۵) (درس ۱۰) / ب) ۵ (۰/۲۵) (درس ۱۱) / ج) ۶ (۰/۲۵) (درس ۹) / د) ۴ (۰/۲۵) (درس ۹) / ه) ۲ (۰/۲۵) (درس ۱۰) / و) ۱ (۰/۲۵) (درس ۵)

۵ الف) لیبرالیسم (۰/۵) (درس ۲) / ب) تالیس (۰/۵) (درس ۴) / ج) تهوور (۰/۵) (درس ۱۱) / د) استقلال در اندیشه (۰/۵) (درس ۳)

۶ الف) عقل قادر است بدون استفاده از یافته‌های تجربی و با تفکر و چینش استدلال به حقایق برسد (۰/۲۵) و دانش‌هایی را پایه‌گذاری کند به این دانش‌ها شناخت عقلی می‌گویند. (۰/۲۵) (درس ۷) / ب) یکی از جریان‌های رایج در تجربه‌گرایی است (۰/۲۵) که بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی‌های خود درباره امور به شناختی می‌رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است. (۰/۲۵) (درس ۸) / ج) بخشی از فلسفه که به پدیده شناخت می‌پردازد و می‌کوشد پرسش‌هایی پیرامون شناخت انسان مانند ابزار شناخت، محدودیت‌های آن و... را پاسخ دهد. (۰/۵) (درس ۱) / د) علم بررسی قانونمند مسائل بنیادی و اساسی پیرامون هستی و شناخت که متکی به استدلال‌های عقلی محض است. (۰/۵) (درس ۱)

۷ الف) مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه درباره نفی و اثبات آنان نمی‌تواند نظر بدهد. (۰/۵) (درس ۸)

نکته پوزیتیویست‌ها همان اثبات‌گرایان هستند. / ب) ۱- از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید و تکمیل آن‌ها (۰/۲۵)؛ ۲- از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و اصلاح آن‌ها (۰/۲۵) (درس ۶) / ج) عمل و تصمیم‌گیری (۰/۵) (درس ۳) / د) چون تفاوت واقعی بین انسان و سایر موجودات وجود ندارد. (۰/۵) (درس ۹)

۸ الف) در مسائل فلسفی نمی‌توان از حواس یا آزمایش بهره برد (۰/۲۵) و یا از ابزاری مثل تلسکوپ کمک گرفت (۰/۲۵) در این موارد فقط باید به توانایی عقل و استدلال عقلی تکیه کرد (۰/۲۵) و با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته‌ها به حل مسائل پرداخت. (۰/۲۵) (درس ۱)

یادآوری: روش تفکر فلسفی روش عقلی است که از این نظر مانند مسائل ریاضی است.

ب) جرم سقراط این است که خدایانی را که همه به آن‌ها اعتقاد دارند انکار می‌کند. (۰/۲۵) و از خدایی جدید سخن می‌گوید (۰/۲۵) با افکار خود جوانان را همراه می‌کند (۰/۲۵) و آن‌ها را از آئین پدرانشان برمی‌گرداند. (۰/۲۵) (درس ۵) / ج) ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیاء (۰/۲۵) و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی (۰/۲۵) و تفاوت میان تجربه انسان‌ها (۰/۲۵) توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد (۰/۲۵) در هر حال چنین مشکلی سبب شد واقع‌نمایی دانش تجربی با اشکال مواجه شود (۰/۲۵) و جریان‌های نسبی‌گرا در تجربه‌گرایی نفوذ کند. (۰/۲۵) (درس ۸) / د) مارکس فیلسوف ماتریالیست قرن نوزدهم، انسان را فقط یک موجود مادی می‌دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می‌دهند (۰/۵) و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع، قانون و اخلاق به خاطر نیازهای مادی پیدا شده‌اند. (۰/۵) (درس ۹) / ه) کارهایی که انسان آن‌ها را برای رفع نیازهای خود انجام می‌دهد از قبیل مایحتاج روزانه، استراحت و... فعل طبیعی است. (۰/۵) کارهایی هم هستند که مورد ستایش و تحسین قرار می‌گیرند مانند احسان و گذشت و یا مورد تقبیح و سرزنش واقع می‌شوند مانند دزدی و... این قبیل کارها فعل اخلاقی نام دارد. (۰/۵) (درس ۱۱) / و) دکارت بدن را ماشینی پیچیده می‌داند که به‌طور خودکار فعالیت می‌کند. (۰/۲۵) اما این بدن حقیقت من را شکل نمی‌دهد. (۰/۲۵) از نظر او من همان روح یا نفس است که مرکز اندیشه‌های ماست. (۰/۲۵) روح و بدن کاملاً از هم مجزا هستند و خاصیت‌های متفاوت دارند گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می‌کند. (۰/۲۵) (درس ۹) / ز) مشرق عالم جایگاه خداوند و یا نورالانوار است (۰/۵) آنجا که نور به پایین‌ترین حد خود برسد مغرب عالم می‌باشد. (۰/۵) (درس ۱۰)

۸ الف) روبه‌روشدن با مسئله (۰/۲۵) - طرح سؤال (۰/۲۵) - تفکر در اندوخته‌ها (۰/۲۵) - رسیدن به پاسخ (۰/۲۵) (درس ۱) / ب) ۱- پدیده‌ها خود به خود به وجود نمی‌آیند. بلکه هر پدیده‌ای نیازمند علت است. (۰/۵) - ۲- هر پدیده علتی ویژه دارد: یعنی از هر چیزی هر چیزی پدید نمی‌آید. (۰/۵)

۳- طبیعت همواره یکسان عمل می‌کند. (۰/۵) (درس ۷) / ج) دوره‌ای که از قرن شانزدهم آغاز گردید و همچنان ادامه دارد. (۰/۵) در این دوره اروپا به تدریج از حاکمیت کلیسا خارج شد (۰/۵) علوم تجربی گسترش یافت (۰/۵) و در حوزه‌های مختلف اجتماعی تحولات زیادی رخ داد (۰/۵) (درس ۸) / د) ارسطو معتقد بود که قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است نه بدن. (۰/۲۵) بدن بدون نفس موجودی مرده است. (۰/۲۵) از نظر او نفس انسان در هنگام تولد حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد (۰/۲۵) به تدریج امور را کسب می‌کند و به فعلیت می‌رسد (۰/۲۵) (درس ۹)

نکته منظور ارسطو از ناطق بودن انسان صرفاً سخن گفتن او نیست، بلکه مقصود اصلی او قوه تفکر و تعقل است.

ه) خیر (۰/۲۵) اگرچه انسان ظرفیت و استعداد بی‌نهایت دارد (۰/۲۵) اما این استعداد به معنی رسیدن حتمی وی به کمالات نیست. (۰/۲۵) انسان باید با اختیار و اراده خود این ظرفیت را به فعلیت برساند. (۰/۲۵) (درس ۱۰) / و) هرگاه انسان بخواهد در برابر دیگران آزادی داشته باشد (۰/۲۵) باید به دیگران نیز حق بدهد که در برابر او به همان میزان آزاد باشند (۰/۲۵) یعنی هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند (۰/۲۵) در این صورت است که می‌توانی با دیگران زیست کنی. (۰/۲۵) (درس ۱۱)

یادآوری: توماس هابز یک فیلسوف ماتریالیست است.

### امتحان ۱۰ (نوبت دوم)

۱ الف) نادرست، علاوه بر امور حسی، عقل حقایقی را دریافت می‌کند که از طریق حس دریافت نمی‌شود. مانند اصل علیت که خود اصل علیت نیز که امری غیرحسی است هم در مورد امور حسی صدق می‌کند هم غیرحسی. (۰/۲۵) (درس ۷) / ب) درست (۰/۲۵) (درس ۷) / ج) درست (۰/۲۵) (درس ۶)

یادآوری: باور به امکان شناخت و معنا و مفهوم معرفت و شناخت برای انسان امری بدیهی است و نیازی به تعریف ندارد.

د) نادرست، مهم‌ترین هدف سوفیست‌ها بود (۰/۲۵) (درس ۱) / ه) نادرست، مکتب ملاصدرا است. (۰/۲۵) (درس ۱۰)

یادآوری: نام مکتب سهروردی اشراق است که در کتاب خود «حکمة الاشراق» آن را بیان کرده است. / و) درست (۰/۲۵) (درس ۱۱)

۲ الف) امکان شناخت (۰/۲۵) (درس ۲) / ب) فیثاغوریان (۰/۲۵) (درس ۴) / ج) شجاعت - حکمت (۰/۵) (درس ۱۱) / د) غیرمادی - مجرد (۰/۵) (درس ۱۰)

۳ الف) گزینه ۲: مبنای عمل در این مکتب باورهایی است که در عمل به کار آید و سودمندی خود را نشان دهد. (۰/۵) (درس ۸) / ب) گزینه ۴: این عبارت امکان و توانایی انسان در شناخت جهان و پیرامون او را نشان می‌دهد. (۰/۵) (درس ۶) / ج) گزینه ۱: هابز معیار فعل اخلاقی را منفعت، کانت عمل بر طبق وجدان، ارسطو عمل بر طبق عقل و افلاطون نیز عمل بر طبق عقل می‌دانند. (۰/۵) (درس ۱۱) / د) گزینه ۳: پرسشی در حیطه علم ریاضی، گزینه ۲: پرسشی در حیطه علم معارف و احکام و گزینه ۴: نیز پرسشی در مورد علم زیست‌شناسی است. پرسش گزینه ۳ به بررسی اصل و حقیقت جهان می‌پردازد؛ بنابراین پرسشی فلسفی محسوب می‌شود. (۰/۵) (درس ۱)



**۸ الف** دغدغه برخی از آن‌ها بیان واقعیت و دفاع از حقیقت نبود (۰/۲۵) این گروه پیروزی بر رقیب را مهم‌ترین هدف می‌دانستند (۰/۲۵) از این رو در استدلال‌های خود از مغالطه کمک می‌گرفتند. (۰/۲۵) که در ظاهر درست اما در واقع نادرست بود. (۰/۲۵) (درس ۱) / ب) نیروی عقل علاوه بر استفاده از حواس بیرونی می‌تواند حالات درونی نفس مانند شادی و درد را شناسایی کند و درباره آن‌ها نظر بدهد (۰/۵) مثلاً انسان می‌تواند به کمک عقل خود علل پیدایش شادی و افسردگی را کشف کند و درباره آن‌ها توضیح دهد. (۰/۵) (درس ۷)

**نکته** به این نوع شناخت، شناخت درونی گفته می‌شود. (ج) او می‌گفت حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می‌دهد (۰/۵) بنابراین حقیقت امر یکسانی نیست و نسبت به هر کسی می‌تواند متفاوت باشد (۰/۵) به عقیده او اشیاء در هر نوبت هر طوری به نظر بیایند در آن نوبت همان‌طور هستند و هر طور به نظر دیگران بیاید یعنی برای آن‌ها همان‌طور است. (۰/۵) (درس ۸) / د) او می‌گوید تنها موجودی که به‌طور خاص دارای عقل و خرد است نفس است و این نفس چیزی نامرئی است (۰/۵) همچنین می‌گوید نفس جزو عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می‌کند و غیر فانی و جاوید است. (۰/۵) (درس ۹) / ه) آن‌ها با استفاده از آنچه از افلاطون و ارسطو و پیروان آن‌ها به دستشان رسیده بود (۰/۵) و با الهام از آموزه‌های دینی خود در توضیح و تبیین حقیقت انسان قدم‌های بلندی برداشتند. (۰/۵) (درس ۱۰) / و) پارمنیدس شناخت حسی را به دلیل وجود خطا در آن معتبر نمی‌دانست و معتقد بود حرکت وجود ندارد. (۰/۲۵) چون ما حرکت را از طریق حس، درمی‌یابیم (۰/۲۵) در نتیجه به دلیل وجود خطا در حس حرکت نیز وجود ندارد و همه چیز ثابت است (۰/۲۵) اما از نظر هراکلیتوس شناخت حسی معتبر است و ما وجود حرکت و دگرگونی را از طریق حس درمی‌یابیم. (۰/۲۵) (درس ۸) / ز) ۱- برخی آدم‌ها کمتر به مسائل بنیادی توجه می‌کنند و در انتخاب اهداف دقت چندانی ندارند و بیشتر دنباله‌روی دیگران هستند. (۰/۵) ۲- برخی آدم‌ها در مورد امور مربوط به جهان و انسان می‌اندیشند و در بسیاری موارد به دانشی درست در این باره دست می‌یابند. در نتیجه هدف قابل قبولی برای زندگی انتخاب می‌کنند و زندگی آن‌ها معنای درستی پیدا می‌کند. (۰/۵) ۳- برخی دیگر نگرش نادرست درباره جهان و انسان دارند. اینان در انتخاب هدف به خطا رفته و زندگی آنان معنای نادرستی به خود گرفته است. (۰/۵) (درس ۳)

**۳ الف** گزینه «۴»: هر سه گزینه دیگر از ویژگی‌های شناخت انسان می‌باشد. (۰/۵) (درس ۶) / ب) گزینه «۲»: اولین گام برای نجات از زندان رهایی از عادات است چون گرفتاران در غار در زنجیر عادات و تعصبات گرفتارند. پس ابتدا باید آن‌ها را پاره کنند. (۰/۵) (درس ۳)

**۴ الف** ۳ (۰/۵) (درس ۱۰) / ب) ۱ (۰/۵) (درس ۵) / ج) ۲ (۰/۵) (درس ۲) / د) ۵ (۰/۵) (درس ۱۰)

**۵ الف** قیاسی (۰/۵) (درس ۱) / ب) بیگن (۰/۵) (درس ۸) / ج) متفکر بودن (۰/۵) (درس ۹) / د) تدریجی (۰/۵) (درس ۷)

**۶ الف** فلاسفه مسلمان نظیر ابن‌سینا عقل را منبع شناخت فضائل و رذائل می‌دانند و این عقل را از آن جهت که رفتار خوب و بد انسان را تشخیص می‌دهد عقل عملی می‌نامند. (۰/۵) (درس ۱۱) / ب) دیدگاهی جدید در میان تجربه‌گرایی (۰/۲۵) که پیروان آن معتقد بودند اصولاً آن دسته از مفاهیمی که تجربه‌پذیر نیستند بی‌معنا هستند. (۰/۲۵) (درس ۸)

**یادآوری:** اثبات‌گرایان همان پوزیتیویست‌ها هستند و اولین کسی که برای نخستین بار این اصطلاح را به کار برد، اوگوست کنت بود.

ج) عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته‌های حسی می‌تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد. (۰/۲۵) این نوع شناخت که عقل با همکاری حس به دست می‌آورد شناخت تجربی نام دارد. (۰/۲۵) (درس ۷) / د) روش گفت‌وگویی که سقراط در بحث‌های خود به کار می‌برد (۰/۲۵) و به شکل پرسش و پاسخ مطرح می‌شد، به روش سقراطی مشهور گردید. او مفهومی از مفاهیم را که برای انسان اهمیت حیاتی دارد، برمی‌گزید و درباره‌اش سؤال می‌کرد و با توجه به پاسخ‌ها، سؤالات دیگری مطرح می‌کرد تا مخاطب را به حقیقت برساند. (۰/۲۵) (درس ۵)

**نکته** روش سقراط که به روش سقراطی معروف شده بود روش بحثی ثابت بود.

**۷ الف** آن‌ها می‌کوشیدند راه معتبر شناخت و روش‌های رسیدن به آن را تبیین کنند. (۰/۲۵) و راه‌گریز از خطا را توضیح دهند. (۰/۲۵) (درس ۸) / ب) قبول گزاره‌ها و قواعد عقلانی که از طریق تجربه قابل دستیابی نبودند. (۰/۲۵) و فقط متکی بر استدلال عقلی بودند. (۰/۲۵) (درس ۸) / ج) قانون علیت (۰/۵) (درس ۷) / د) ماتریالیست‌ها (۰/۲۵) - داروینیست‌ها (۰/۲۵) (درس ۹)